



درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۷ بهمن ۱۴۰۴

مصادف با: ۷ شعبان ۱۴۴۷

جلسه: ۲۸

موضوع کلی: سوره بقره

موضوع جزئی: آیه ۶۳ - بخش‌های مختلف آیه - بخش سوم: «و اذکروا ما فیہ لعلکم تتقون»

مطلب اول: معنای «ذکر» - مطلب دوم: معنای «لعلکم تتقون»

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

بخش سوم: «و اذکروا ما فیہ لعلکم تتقون»

بخش سوم آیه ۶۳ این است: «و اذکروا ما فیہ لعلکم تتقون». در این بخش دو جمله و دو فقره ذکر شده است؛ یکی «و اذکروا ما فیہ» و دیگری «لعلکم تتقون». اینجا چند مطلب باید بررسی شود:

مطلب اول: معنای «ذکر»

امر به «ذکر» در این فقره به چه معناست؟ «ما فیہ» به معنای ما فی الکتاب است؛ «اذکروا ما فیہ» یعنی اذکروا ما فی الکتاب. این «اذکروا» به چه معناست؟ دو احتمال در مورد این لفظ وجود دارد:

احتمال اول: یکی همین معنای ظاهری لفظ است؛ «اذکروا» یعنی ذکر داشته باشید، مقابل نسیان؛ یعنی یادتان نرود آنچه که در کتاب است. این احتمال کمی بعید است؛ چون ذکر نسبت به ما فی الکتاب خارج از توان انسان است. به عبارت دیگر، این فعل خداوند است و اگر فعل خداوند باشد، لایحوز الامر به؛ خداست که نسبت به ما فی الکتاب هیچ‌گاه نسیان پیدا نمی‌کند. به علاوه، اگر ما این را به گونه‌ای توجیه کنیم که شامل انسان هم شود، این پایین‌ترین مرتبه ارتباط و انس با کتاب است؛ بالاخره اینکه انسان مواظب باشد که اینها را حفظ کند و از یاد نبرد. عرض کردم که این احتمال کمی بعید است.

احتمال دوم: این است که ما فی الکتاب را نگه دارد و انس داشته باشد، ممارست و تعمق و تدبر داشته باشد و تفکر و مذاکره درباره آن داشته باشد. این اتفاقاً با «خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ» هم سازگار است.

به هر حال مراد از «و اذکروا» یعنی بحث و گفتگو، حفظ، عدم غفلت و مطالبی از این قبیل. منتها تحقق آن از دو منظر و دو زاویه ممکن است که هر یک از این دو می‌تواند به معنای ذکر یا در مقام امتثال امر «اذکروا» جامعیت بیشتری داشته باشد.

یکی اینکه برای «اذکروا» یک وجه ایجابی در نظر بگیریم؛ وجه ایجابی این است که درباره دستورات و مطالب تورات و آنچه که در تورات بیان شده، دائماً بحث و گفتگو و تعمق و تدبر صورت بگیرد تا فراموش نشود و نسبت به آن غفلت نشود.

یک وجه سلبی هم می‌توانیم در نظر بگیریم که این متخذ از روایتی از امام صادق (ع) است: «و اذکروا ما فیہ و اذکروا ما فی ترکہ من العقوبة»^۱ اینجا امام صادق (ع) در واقع به وجه سلبی توجه می‌دهد؛ بدین معنا که می‌فرماید اگر آنچه که از تورات باید حفظ کنید، عمل کنید و پایبند باشید، اینها را ترک کنید عقوبت در انتظار شماست. یعنی اذکروا عاقبت ترک توجه و عمل به تورات را؛ این می‌تواند اشاره به معاد باشد. یعنی مواظب باشید که آنطور نشود؛ یعنی می‌خواهد بگوید سرانجام ترک

۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۴۵؛ تفسیر برهان، ج ۱، ص ۱۰۵.

دستورات تورات و نادیده گرفتن دستورات تورات و عمل نکردن، عذاب و عقاب است.

پس اینکه گفتم هم وجه ایجابی دارد و هم وجه سلبی و هر دو می‌تواند مصداق ذکر و جلوه‌ای از جلوات ذکر باشد، ذکر تارة به حفظ و قرائت و ممارست، مباحثه، تفکر، تأمل و تدبیر نسبت به ما فی الکتاب صورت می‌گیرد و آخری به یادآوری عذابی که در انتظار ترک ذکر در تورات است؛ عرض کردم که منظور از ترک می‌تواند ترک همه اینها باشد، همانطور که ذکر به انحاء مختلف تحقق پیدا می‌کند، ترک آن هم به انحاء مختلف تحقق پیدا می‌کند و طبیعتاً اینجا انذار می‌دهد نسبت به سرانجامی که وجود دارد؛ خود آن هم عامل بازدارنده است.

سؤال:

استاد: نه، من عرض کردم که چند احتمال می‌توانیم درباره آن در نظر بگیریم. ما گفتیم «اخذ» معنایش این نیست که این کتاب را در دست بگیرید؛ خود «اخذ» یک معنای عام دارد. «اخذ» از پایین‌ترین مرتبه شروع می‌شود تا تعمق و تدبیر و تفکر و عمل. ... گفتیم «بقوة» هم دامنه وسیعی دارد؛ آن وقت «ما آتیناکم» همان دستورات تورات و الواح تورات است. اگر ما «و اذکروا» را به همین معنا بگیریم، تفاوتش چه می‌شود؟ الان عرض می‌کنم.

«و اذکروا ما فیه» از دو زاویه و دو جهت تأکید بر ذکر می‌کند:

یکی اینکه شما این کتاب را گرفتید؛ در همان مقام گرفتن، ذکر داشته باشید و هم در ادامه و در بقاء هم به این توجه کنید. به بیان دیگر، «و اذکروا ما فیه» می‌تواند به استمرار و ادامه اخذ عنایت داشته باشد. می‌فرماید «خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ»، این عمدتاً شاید ناظر به مقام حدوث است؛ به این معنا که ما الواح کتاب و تورات را دادیم، شما اینها را به قوه اخذ کنید؛ اخذ هم با آن معنای وسیع و فراگیر، تأمل، تدبیر، تعمق و حتی قرائت و حفظ کردن معمولی؛ هر چیزی که به نوعی اخذ این کتاب تلقی می‌شود؛ هر چیزی که در ظرف متناسب با خودش می‌تواند اخذ تورات باشد. بعد می‌فرماید «و اذکروا ما فیه»؛ یعنی نه اینکه الان فقط در بدو امر این کارها را بکنید، بعد کم‌کم یادتان برود.

سؤال:

استاد: بحث و درس و مباحثه برای همین است؛ یکی می‌تواند آن باشد، منحصر در آن نیست ... «و اذکروا ما فیه» می‌خواهد بگوید، آنچه که در تورات هست را نگه دارید و ادامه بدهید؛ در ادامه مسیر و زندگی، این راهنمای عمل شما باشد. بعد می‌فرماید «لعلکم تتقون»، این کار را بکنید که چه بسا این کار موجب تقوا و ... یعنی تمنی سعادت شما است. ...

سؤال:

استاد: ما این را در جلسه گذشته عرض کردیم و گفتیم «خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ» اختصاص به بنی اسرائیل ندارد و شامل مسلمانان هم می‌شود؛ به همین ملاک «و اذکروا ما فیه» هم شامل مسلمانان می‌شود؛ «لعلکم تتقون» هم همینطور. ما این را قبلاً هم گفتیم که این قاعده است؛ قصص قرآن صرفاً نقل داستان نیست؛ اغراضی از آن تعقیب می‌شود. اولاً خود داستان عبرت دارد، به عنوان اینکه در گذشته چنین چیزی اتفاق افتاده است؛ اما این عبرت‌ها مشتمل بر پیام‌ها و دستوراتی است که ما از آنها می‌توانیم استفاده کنیم؛ یک وقت حکایت می‌کند، می‌گوید ما به اینها گفتیم که شما صبر کنید؛ اما این دستور صبر و خویشن‌داری، دستور به پرستش و عبادت، این فقط برای مردم آن زمان نبود؛ خصوصیت جاودانگی کتاب و قرآن اقتضا

می‌کند که این دستورات همگانی و فراگیر باشد؛ نه فقط مسلمانان عصر پیامبر(ص) بلکه همه مسلمین الی یوم القيامة را در برگیرد. «خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ» می‌تواند در عصر پیامبر(ص) هم به مسلمین خطاب کند آنچه که ما به شما دادیم و اذکروا ما فی الکتاب لعلکم تتقون، چه بسا تمنی این هست که به تقوا و خودنگهداری برسید و مواظب باشید که اهل طاعت باشید و در مسیر معصیت قدم برندارید.

مطلب دوم: معنای «لعلکم تتقون»

چرا اینجا می‌فرماید «لعلکم»؟ نمی‌گوید حتماً؛ می‌گوید امید تقوا هست. می‌توانست بگوید «حتی تتقون»، یعنی عاقبت اخذ کتاب بقوة و عاقبت ذکر ما فی الکتاب، لزوماً تقواست؛ اما می‌فرماید «لعلکم تتقون». در واقع می‌خواهد بگوید علت تامه تقوا فقط این نیست؛ خداوند در مورد روزه می‌فرماید: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛ این «لعل» برای چیست؟ برای اینکه همین روزه‌ای که واجب شده، ممکن است موجب تقوا نباشد. چون اینها شرط لازم تقواست و نه شرط کافی. اینجا هم اخذ بقوة، استمرار آن، ذکر ما فی الکتاب به همه وسعتی که عرض کردیم، می‌تواند امید تقوا را برای شما ایجاد کند؛ ولی باز هم خوف دست نیافتن به مقام تقوا و قرب وجود دارد. این همان حالت نگه داشتن انسان بین خوف و رجاء است که گمان نکند و مغرور نشود از اینکه من این کارها را کرده‌ام، پس به این مقام نائل شده‌ام. باید به گونه‌ای عمل کند که هم امیدوار به رحمت و فضل الهی باشد و هم خائف از اینکه نتوانسته باشد به وظایف خودش عمل کرده باشد.

بحث جلسه آینده

این تمام مطالبی بود که در مورد آیه ۶۳ قابل بیان بود؛ ان شاء الله جلسه آینده آیه ۶۴ را شروع خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»